

جستاری بر نقش نشانه‌های زمانی در تحلیل آثار معماری

بابک شاه‌پسندزاده*

۱. مربی گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۴ تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۹

چکیده

حس مخاطب در مواجهه با مکان معماری، با تسلسل (مکان‌مندی) و توالی (زمان‌مندی) فضایی مرتبط بوده و شناخت نقش مفهوم زمان در ایجاد وابستگی مکانی حائز اهمیت است، زیرا مکان موقعیتی است که با حفظ توالی رویدادها، مخاطب را در دریافت فهم کاملی از هستی خود یاری می‌نماید. در این راستا، انطباق مفاهیم معماری با مبانی نشانه‌شناسی زمان جهت شناخت جایگاه مفهوم زمان در معماری، گامی موثر در ارتقاء شیوه‌های تحلیل معماری خواهد بود. این پژوهش از تحلیل روابط نظام‌های دلالتی در «مقاطع یا مقطعی از زمان» و یکی از گونه‌های تحلیل نشانه‌شناختی، در بُعد همنشینی بهره می‌گیرد؛ لذا با تکیه بر نقش نشانه‌های زمانی در تسلسل و توالی فضایی، و ارتباط آن‌ها با عناصر کالبدی معماری، تاثیر الگوهای زمانی بر آثار معماری به مثابه شیوه‌ای تحلیلی مطالعه می‌شود. با عنایت به مبانی نشانه‌شناختی به عنوان رویکرد منتخب تحقیق، دستیابی به فهم چگونگی نقش‌آفرینی زمان در تحلیل‌های معمارانه، با شناسایی ارتباط مفاهیم نشانه‌های زمانی با مصادیق معماری سنتی انجام خواهد شد. دستاورد نظری این تحقیق، بسط نظریه‌های مرتبط پیشین، پر کردن خلاءهای نظری و غنا بخشیدن به ادبیات تحلیل نشانه‌شناختی آثار معماری بوده و نتیجه عملی آن درک چگونگی ورود مفهوم زمان به تحلیل آثار معماری به واسطه قواعد نشانه‌های زمانی است؛ مفهوم‌سازی نشانه‌های زمانی توسط کالبد فضا، از طریق تحلیل نظام‌های نشانه‌ای مکان، موجب افزودن مفهوم زمان به گستره تحلیل معماری است، که به واسطه «تحلیل مفهومی» خط تحول و توالی مفهوم زمان با مکان میسر می‌شود. در مقوله روش تحقیق، با بهره‌گیری از پیشینه قابل توجه نشانه‌شناسی معماری، در مرحله گردآوری داده‌ها و تکمیل ادبیات موضوع، از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و در بخش تحلیل داده‌ها که به موازات تبیین مبانی ارائه می‌شوند، به منظور ساماندهی داده‌ها، تدوین چارچوب مفهومی و بسط مبانی موضوع در حوزه معماری، از روش توصیفی-تحلیلی و راهبرد استدلال منطقی استفاده خواهد شد.

واژگان کلیدی: نشانه‌شناسی، تحلیل معماری، نشانه‌های زمانی، تحلیل مفهومی، روابط همنشینی.

۱. مقدمه و بیان مساله

دستیابی به چگونگی حضور معنادار زمان در تحلیل مکان معماری، با شناخت ابزار و واسطه‌های بیانی و دلالت‌های معنایی، به عنوان هدف اصلی این تحقیق، نیازمند بهره‌گیری از مبانی فکری و فلسفی با رویکردی تحلیلی است؛ بنا بر نظر برخی صاحب‌نظران مانند راپاپورت (۲۰۰۴)، یکی از مهم‌ترین شیوه‌های بررسی معنا با این خصوصیات در محیط‌های مصنوع، «نشانه‌شناسی» است، زیرا مفاهیم جز از طریق فرایند تولید و تفسیر نشانه بازنمایی نمی‌شوند و نشانه‌ها «واسطه و ابزار» انتقال و بیان مفاهیم هستند. نشانه‌شناسی تمام چیزها (کالدها) و اعمالی (رفتارهایی) را که در یک فرهنگ معنا دارند، «نشانه» تلقی کرده و به شناسایی قراردادهای درونی‌شده‌ای که در هر فرهنگ تولید معنا می‌کند می‌پردازد (Culler 2001, 35). آگاهی از فرایند نشانه‌شناختی و فهم چگونگی دلالت‌های کالبد معماری بر مفهوم زمان، می‌تواند موجب فهم و بیان موثرتر این مفهوم در معماری شود.

بررسی چگونگی تحلیل مکان معماری به واسطه مفاهیم زمانی یا وارد کردن معنادار نشانه‌های زمانی در مکان، به مثابه نظامی نشانه‌ای، که موجب افزودن مفهوم زمان به گستره تحلیلی- ادراکی مخاطب می‌شود، نشانگر اهمیت مفهوم زمان است که بازخوردهایی از قبیل تحلیل چگونگی تداوم حضور مخاطب در مکان، جذب مخاطب پیش‌تر در طول زمان و شکل‌گیری تسلسل فضایی به واسطه توالی زمانی را در پی دارد. از آن‌جا که «مفاهیم نشانه‌ای، نه تنها روش‌های طراحی، بلکه شیوه‌های توصیف و تحلیل معانی معمارانه را نیز غنا بخشیده است» (Brad 2010)، دستاوردهای این تحقیق، در حوزه تحلیل معماری به مدد نشانه‌های زمانی کاربرد خواهند داشت. با

عنایت به این که امروزه تحلیل آثار معماری، عمدتاً بر پایه دسته‌بندی اشتراکات دوره‌های تاریخی، جغرافیایی و مولفه‌های کالبدی آثار می‌باشد، و از آن‌جا که ماهیت این دسته‌بندی‌ها، خود وابسته به معانی از جمله مفهوم زمان است، از این رو شیوه مورد نظر این تحقیق برای تحلیل آثار، که یقیناً بیش از تحلیل‌های رایج می‌تواند نشانگر شیوه تحلیل ارتباطات و اشتراکات در آثار معماری باشد؛ شیوه‌ای با رویکرد شناسایی معیارهای مشترک و طبقه‌بندی‌های مبتنی بر نشانه‌شناسی زمان در مکان معماری خواهد بود. لذا در این تحقیق با شناخت ابزار و واسطه‌های موثر بر نقش نشانگی زمان در معماری و تحلیل آثار، به تبیین و تحلیل جایگاه نشانه‌شناختی زمان در معماری، بر اساس نظام‌های نشانه‌ای متبلور در کالبد مکان پرداخته خواهد شد. بر این اساس، پرسش‌های اصلی تحقیق پیش رو عبارت‌اند از:

تحلیل زمان‌مندی مکان و چگونگی تحقق بیانی مفهوم زمان در مکان معماری، با چه قواعدی امکان‌پذیر است؟
مفاهیم نشانه‌شناختی زمان، چگونه بر قواعد و نظام تحلیل مکان معماری تاثیر می‌گذارند؟
مفاهیم نشانه‌شناسانه انسجام و توالی زمان چه جایگاهی در تحلیل انتظام و تسلسل فضایی مکان دارند؟

۲. پیشینه تحقیق

در خصوص جایگاه نشانه‌شناسی در معماری و تعامل این دو در تحلیل مفاهیم گوناگون معماری، تاکنون مقالات و تحقیقات بسیاری صورت پذیرفته که اهم آن‌ها و زمینه‌های این تعاملات در جدول ۱ به دقت گردآوری شده‌اند.

جدول ۱: تحقیقات انجام‌شده در تعامل نشانه‌شناسی و معماری و زمینه‌های آن‌ها

موضوع تحقیق (نشانه‌شناسی و معماری)	محققین
ارتباط میان مفاهیم نشانه‌شناسانه و مبانی نظری معماری، بدون مصادیق و در قالب مباحث کلی	(فروغمند اعرابی ۱۳۹۵؛ امیری خوشکار و ندانی ۱۳۹۵؛ امرابی ۱۳۹۳؛ وسکاه و منصوری ۱۳۹۵؛ غفاری و فلامکی ۱۳۹۵)
بیان خصوصیات شیوه‌های تحلیل نشانه‌شناختی و یا شباهت و تفاوت‌های آن‌ها در قرائت آثار معماری	(فلاح و نوحی ۱۳۹۱؛ رحیمی اتانی و همکاران ۱۳۹۷؛ باقری و عینی‌فر ۱۳۹۲؛ فیاض و همکاران ۱۳۹۰)
خوانش نشانه‌شناسانه بر روی بخشی از یک بنا (مانند ورودی)، یا یک بنا (مانند مسجد یا آرامگاه) و یا یک عملکرد خاص (مانند عملکرد مسکونی)	(رئیزی و نقره کار ۱۳۹۰؛ سخاوت دوست و البرزی ۱۳۹۶؛ ۱۳۹۷؛ بمانیان و همکاران ۱۳۹۲؛ سهیلی و مهاجرپور ۱۳۹۴؛ نژادابراهیمی و همکاران ۱۳۹۷؛ قنبری و سلطان‌زاده ۱۳۹۵؛ آویده طلایی و فرح حبیب ۱۳۹۷)
تعامل نشانه‌شناسی و رویکردی از تحقیقات کیفی، با ارزیابی منطقه‌ای خاص	(حمه جانی و همکاران ۱۳۹۶)
بیان اندیشه‌های نشانه‌شناسانه یک نظریه‌پرداز در تحلیل کلیت معماری	(روشن و شیبانی ۱۳۹۴؛ واعظی و همکاران ۱۳۹۷)

موضوع تحقیق (نشانه‌شناسی و معماری)	محققین
دیدنی جامع و کلی به معماری اسلامی و جایگاه نشانه و رمزپردازی در آن	(رئیزی و همکاران ۱۳۹۳)
بررسی وجوه نشانه‌شناسی به طور مشخص و موردی در طراحی شهری	(حسنی میان‌رودی و همکاران ۱۳۹۶؛ ماجدی و سعیده زرآبادی ۱۳۸۹؛ دانش‌پور و همکاران ۱۳۹۱؛ ترکاشوند و مجیدی ۱۳۹۲)

احساس زمان از محدودیت قوای ذهنی انسان در ادراک زمان را بررسی می‌کند. در تحقیقی دیگر نیز به «زمان، هویت و روایت: چگونگی فهم زمان در روایت‌های تخیلی غرب و ایران» (سینا جهانانیده کودهی) پرداخته شده که در آن با بررسی شکل‌های زمان در روایت‌های تخیلی، به مثابه عالی‌ترین ساختارهایی که زمان وجودی انسان را معرفی می‌کنند، به استعاره زمان که خود را با گذار تکرار و مکان نشان می‌دهد پرداخته و این‌گونه ارزیابی می‌کند که روایت‌های مبتنی بر زمان، توامان هویت‌ساز و تحت تاثیر هویت‌ها می‌باشند. آن‌چه مسلم است این است که تحقیقات پیش‌گفته، اگر چه قابلیت استناد در خور توجهی برای تحقیقات مشابه در حوزه معماری دارند، اما ماهیتا ارتباطی با معماری نداشته و از سوی دیگر به نقش نشانه‌های زمانی در شیوه «تحلیل آثار» معماری، که هدف تحقیق پیش رو است، ارتباطی ندارند و لذا تحقیق پیش رو از بداعت و تازگی برخوردار خواهد بود.

۳. مبانی نظری

نشانه‌شناسی، مطالعه چگونگی شکل‌گیری دلالت‌های معنایی (روابط میان اجزاء نشانه) و سازوکار تبادل (تولید، انتقال و تفسیر) معنا، بر اساس نظام‌های نشانه‌ای است. نشانه نیز بر مبنای تعریف گیرو عبارتست از محرکی که تصویر ذهنی آن با تصویر ذهنی محرکی دیگر تداعی می‌شود؛ این تداعی به واسطه فرایند ذهنی ارجاع محرک اول (عینیت) به محرک دوم (عینیت/ ذهنیت) شکل می‌گیرد؛ و کارکرد محرک اول، برانگیختن محرک دوم با هدف برقراری ارتباط است (Guiraud 2001, 39). نشانه موضوعی فیزیکی و در عین حال معنادار است (Chandler 2008, 21)، یعنی هر نشانه برای دریافت توسط حواس و برقراری ارتباط، می‌بایست الزاما نمود مادی داشته باشد و نشانه بودن مستلزم وجود یک فرم مادی و اشاره به چیزی غیر از خود است (Hall 2019, 104). چنان‌که جانانان کالر نیز معتقد است «بیان هیچ معنا و مفهومی، بدون وساطت نظام‌های نشانه‌ای و بروز مادی آن ممکن نیست» (Sojoudi 2011, 108). کالبد معماری در صورت داشتن ویژگی‌های نشانه‌ای، واسطه‌ای برای آشکار شدن و بیان مفاهیم در آن خواهد بود و موجودیت نشانه در گرو «زمان» و تحت تاثیر حضور مخاطب استنباط می‌شود (Eco 1986, 16). لذا، تحقیق پیش رو به جستجوی شاخص‌های نشانه‌شناختی مفهوم زمان در کالبد معماری می‌پردازد. از آنجایی که معماری به مثابه موجودیتی کالبدی، در قالب نظام‌های نشانه‌ای، دارای مقیاس مکانی و زمانی می‌باشد،

آن‌چنان که مشهود است، در تحقیقات مذکور مطالعه‌ای در خصوص روابط مفهومی نشانه‌های زمانی و تحلیل مکان‌های معماری و جایگاه نشانه‌شناختی زمان در معماری انجام نشده است. تحقیقات دیگری نیز در خصوص جایگاه زمان در معماری صورت گرفته است که از میان آن‌ها می‌توان به مقالات «نقش معانی فضا و زمان در آفرینش هنری» (محمدمنصور فلامکی)، «تداوم مکان در گذر زمان در تعامل با انسان» (عفت صبحی، محمد مسعود، و داریوش مرادی چادگانی) و «مفهوم زمان و تاثیر آن در معماری» (آیدا تقی‌زاده و آرش محمدی فلاح) اشاره کرد؛ که اولی به تاثیر زمان و ذهن بر حس‌ها و برداشت‌ها در فضای حقیقی و مجازی اشاره دارد؛ دومی به مطالعه و تحلیل چگونگی دگرگونی ادراک مکان در گذر زمان و تداوم آن در تعامل با انسان؛ و سومی در تحلیل ارتباط فضا با حرکت و زمان، به مقوله تداوم زمانی در مفهوم فضا- زمان با حرکت زمان‌مند در درون فضا پرداخته است. در هیچ یک از تحقیقات اشاره‌شده، در خصوص تعامل نشانه‌شناختی و تاثیر زمان بر معماری و چگونگی تحلیل آثار مطالعه‌ای انجام نشده است.

در تحقیقاتی دیگر نیز تعامل نشانه‌شناسانه زمان و مکان در آثار هنری مدنظر بوده است؛ مانند «نشانه‌شناسی زمان و گذر زمان؛ بررسی تطبیقی آثار کلامی و تصویری» (فرزان سجودی) که در آن، زمان، گذر آن و مفهوم‌سازی زمان از دیدگاه لیکاف و چگونگی تحقق بیانی زمان در متون کلامی و تصویری مانند نقاشی بررسی شده است. «تحلیل ساختار روایت در نگاره مرگ ضحاک بر اساس الگوی کنشی گرماس» (اشرف سادات موسوی لر و گیتا مصباح) مقاله دیگری است که به تحلیل ساختارگرایی عناصر روایت و روابط زمانی حاکم بر نگاره‌ها، اثبات برقراری روابط توالی زمانی و هم‌زمانی متوالی در تبدیل روابط زمانی به مکانی اشاره دارد.

مطالعات مرتبط دیگری نیز موجود است که مقوله زمان، مکان و روایت، صرفاً در دیدگاه خاص فلسفی مدنظر بوده، که از آن جمله می‌توان به مقاله «نشانه‌شناسی زمان و مکان در فلسفه لایبنیتس» (محمدجواد صافیان و عبدالله امینی) که محور مقاله بررسی نسبی و ذهنی بودن زمان و مکان در فلسفه لایبنیتس و انطباق هستی‌شناسانه زمان و مکان بر پدیدارهای بیرونی و نسبت آن‌ها با روابط ذهنی مخاطب بوده است؛ و مقاله «زمان و مکان از منظر اوسپنسکی با تکیه بر نظرگاه ارغنون سوم» (مجتبی اعتمادی نیا) که با پرداختن به ماهیت ذهنی زمان و مکان و ادراک ناقص انسان‌ها از تمامیت مکان، نشات گرفتن

حرکت درون کالبد مکان مصداق پیدا می‌کند؛ مخاطب نیز برای فهم مکان و نظام‌های نشانه‌ای آن، و در نتیجه فهم هستی خود، می‌بایست در فضا (کالبد) به‌مثابه مسیر ادراک زمان، حرکت (فعالیت) کند و این حرکت مستلزم گذر و صرف زمان است. بیان نسبت بروز معانی با زمان برای مخاطب حاضر در مکان، بسته به اهمیت و سطوح معنایی، با توجه به جدول ۲ شکل می‌گیرد.

لذا در شناخت تاثیر نشانه‌های زمانی در تحلیل‌های معمارانه، این مفهوم انتزاعی به واسطه نشانه‌های فیزیکی و کالبدی موجود در مکان (مانند حرکت، مبداء، مقصد و غیره) مفهوم‌سازی شده و به عبارتی قابلیت ورود به حوزه و قلمرو معنا و تحلیل مکان را پیدا می‌کند. به عبارتی، مفهوم نشانه‌شناختی زمان در معماری، با تداعی مفاهیم تداوم (درزمانی)، توالی (هم‌زمانی) و

جدول ۲: نسبت ظهور سطوح معنای مکان با زمان

ظهور معانی	مدت زمان	سطوح معنا
تدریجی (با توالی زمانی)	زمان بیش‌تر	معانی ضمنی (عمق معنایی)
تسریعی (بی توالی زمانی)	زمان کم‌تر	معانی صریح (سطح معنایی)

نشانه‌شناسی زمان در شکل‌دهی به تحلیل معماری، از «راهبرد استدلال منطقی» استفاده می‌شود؛ با توجه به این که در روش استدلال منطقی، پذیرش منطقی بودن یک سامانه در محیط فرهنگی همان سامانه معنا دارد، از این رو، جهت رسیدن به اجماع نسبی و وسعت گستره تحلیل، در لایه راهبرد و هم‌زمان با بیان مبانی و مفاهیم، به بررسی نمونه‌های موردی مفهومی و مصداقی در حوزه مسکن سنتی ایران پرداخته خواهد شد.

۵. بحث و تحلیل

در تحلیل‌های معمارانه مبتنی بر نشانه‌های زمانی، شناخت چیستی و چگونگی تداوم و توالی زمان، به مدد شناخت ساختار نشانه‌شناختی زمان در مکان معماری به‌مثابه «نظام‌های نشانه‌ای» امکان‌پذیر خواهد بود. این نظام‌های نشانه‌ای، نمود عینی شبکه‌های رمزگان^۱ یا همان قراردادهای مشترک و آشنای اجتماعی- فرهنگی، در دو رویکرد ارتباطی «هم‌زمانی»^۲ یا «درزمانی»^۳ هستند؛ رویکرد ارتباط هم‌زمانی، حاصل همراهی یا «همنشینی» مولفه‌های مکان (کالبد، فعالیت و تصورات)، به‌مثابه «واحدهای نشانه‌ای» است که هر یک بر اساس انتخاب یا «جانشینی» از رمزگان پیش‌گفته، شکل گرفته‌اند. پیش از پرداختن به چیستی و چگونگی تحلیل مفهومی زمان در آثار معماری، ضروری است که به هم‌ترازی اصطلاحات تخصصی نشانه‌شناسی، نشانه‌شناسی زمانی و معماری که در این تحقیق از آن‌ها بهره برده شده است، در قالب جدول ۳ اشاره شود.

جدول ۳: هم‌ترازی اصطلاحات نشانه‌شناسی، نشانه‌شناسی زمانی و معماری

نشانه‌شناسی	نشانه‌شناسی زمان	حوزه معماری
رمزگان	حوزه‌های معنایی	قراردادهای مشترک فرهنگی- اجتماعی (مانند حریم)
نظام نشانه‌ای	نظام نشانه‌ای	مکان
واحدهای نشانه‌ای	واحدهای هم‌حوزه	مولفه‌های مکان: (کالبد، فعالیت، مفهوم)
-	-	عوامل مولفه‌های مکان: (فضاها، عناصر، اجزاء)

۴. روش تحقیق

در تحقیق پیش رو، استخراج مفاهیم از طریق بازخوانی نشانه‌های زمانی و ارتباطات میان آن‌ها و مکان صورت خواهد پذیرفت، لذا رویکرد این تحقیق از نوع کیفی و ماهیت آن اکتشافی است. موضوع تحقیق از پیشینه نظری قابل استنادی برخوردار بوده و با بهره‌گیری از این سوابق، در مرحله اول برای «گردآوری داده‌ها» و تکمیل ادبیات موضوع، از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای جهت توصیف و طبقه‌بندی مبانی زمان، نشانه‌شناختی و معماری بهره برده خواهد شد. سپس به منظور «ساماندهی داده‌ها»، تدوین چارچوب مفهومی و بسط مبانی تحقیق به حوزه معماری، از «روش توصیفی- تحلیلی» استفاده می‌شود؛ در بخش توصیفی، مفاهیم و دیدگاه‌های نشانه‌شناختی زمان، مفاهیم پایه و تشریح ضرورت‌های نظری استخراج و تلخیص می‌شوند؛ در بخش تحلیلی، برای شناخت چگونگی تحلیل نشانه‌های زمان در حوزه معماری، چارچوب مفهومی تحقیق بر اساس ادبیات تخصصی موضوع نشانه‌شناسی زمان تبیین شده و با برقراری ارتباط میان نظرات دو حوزه و تحلیل تعاملی آن‌ها، روابطی جدید پیرامون تحلیل مکان و زمان حاصل می‌شود که به صورت مدل‌های اولیه ارائه خواهند شد.

در مرحله دوم، این تحقیق به چگونگی تعامل و هم‌ترازی مفاهیم نشانه‌شناختی زمان و مکان در تحلیل آثار معماری نظر دارد. از این رو، به منظور تدقیق یافته‌های گردآوری‌شده، دستیابی به سامانه منطقی و بررسی چگونگی و ترتیب مداخله ابعاد گوناگون مبانی

توالی زمانی) است. جدول ۴ عناصر «تحلیل مفهومی» زمان و کاربرد آن‌ها را به اجمال معرفی می‌کند.

تحلیل ارتباطات زمانی در یک مکان معماری، به دو گونه تحلیل ساختاری (تحول‌شناسی زمان، مبتنی بر تداوم زمانی) و تحلیل مفهومی (معناشناسی زمانی، مبتنی بر

جدول ۴: عناصر تحلیل مفهومی زمان در مکان

نوع تحلیل	وجه تحلیل	اجزاء تحلیل	کاربرد تحلیل
تحلیل مفهومی (توالی زمانی)	تحلیل اشتراک	تحلیل در زمانی و هم زمانی واحدهای هم‌حوزه	تحلیل مکان‌های متوالی
	تحلیل ارتباط	همنشینی (دلالت ترکیبی) جاننشینی (دلالت ترتیبی)	تحلیل ارتباط نشانه‌های مکانی تحلیل مفهوم نشانه‌های مکانی
	تحلیل روایت	همنشینی مکانی همنشینی زمانی	تحلیل ارتباط نشانه‌ها با هم (ارتباط مولفه‌های کالبدی با هم) تحلیل ارتباط نشانه‌ها با مفاهیم (ارتباط کالبد با محتوای مکان)

2016, 189). به عنوان مثال در حوزه مسکن سنتی، تالار، پنج‌دری و سه‌دری را می‌توان به دلیل داشتن خصلت «فضا»یی مشترک، در یک حوزه معنایی قرار داد؛ از سوی دیگر پنج‌دری و سه‌دری به دلیل «فضای بسته» بودن، اعضای یک حوزه معنایی دیگر به شمار می‌آیند که تالار عضوی از آن حوزه نیست (جدول ۵).

جدول ۵: مصادیق حوزه‌های معنایی در مسکن سنتی ایران

حوزه معنایی	اعضاء حوزه معنایی (واحدهای هم‌حوزه)
فضا	تالار، پنج‌دری، سه‌دری
فضای بسته	پنج‌دری، سه‌دری

تحلیل رابطه میان واحدهای هم‌حوزه می‌تواند از دو دیدگاه «در زمانی» و «هم‌زمانی» (روابط ترتیبی و ترکیبی) صورت پذیرد:

الف- تحلیل در زمانی حوزه‌های معنایی: این دیدگاه، اشتراک میان واحدهای هم‌حوزه در طول زمان یا اشتراکات حوزه‌های معنایی در آثار معماری را در دو مقطع زمانی مورد تحلیل قرار می‌دهند؛ تحول واحدهای هم‌حوزه در «طول زمان»، سبب تحول ارزش واحدهای نظام یا حوزه معنایی می‌گردد. ویژگی دیدگاه در زمانی حوزه معنایی، در راستای دستیابی به دو هدف عمده یعنی مطالعه «تحول» و «تبدیل» مفاهیم واحدها در طول زمان است. الف-۱. «تحول» مفاهیم واحدها در طول زمان: این تحلیل با آشکارسازی نظام مفاهیم مشترک میان واحدهای هم‌حوزه، امکان شش‌گانه‌ای را در «تحول حوزه‌های معنایی» و «روابط مفهومی میان حوزه‌ها»، در قالب سه‌گونه «تغییر، افزایش و حذف» در طول زمان، بر اساس جدول ۶ بیان می‌کند (Ibid, 195).

۵-۱- تحلیل مفهومی

این رویکرد از تحلیل، بر آن دسته از روابط متمرکز است که در نظام‌های دلالتی، در لحظاتی مشخص از زمان (گذشته، حال یا آینده) وجود دارند و در گونه‌شناسی و طبقه‌بندی مولفه‌های مکان (به مثابه واحدهای نشانه‌ای) بر حسب مفهوم زمان در آثار معماری کاربرد دارند که شامل تحلیل مفاهیم مبتنی بر زمان، در یک و یا چند مقطع زمانی می‌شوند؛ چنین تحلیل‌هایی شامل موارد ذیل است:

۱. تشخیص اجزاء یک نظام نشانه‌ای؛

۲. تعیین روابط اجزاء یک نظام نشانه‌ای.

تحلیل مفهومی نشانه‌های زمانی شامل سه دسته «تحلیل اشتراک»، «تحلیل ارتباط» و «تحلیل روایت» است که این دسته‌بندی‌ها در امتداد و تکمیل هم شکل گرفته و در ارتباط محتوایی با هم قرار دارند.

۵-۱-۱- تحلیل اشتراک

شناخت چپستی و چگونگی تحلیل اشتراک، وابسته به شناخت واحدهای نشانه‌ای هم‌حوزه است؛ «واحدهای هم‌حوزه»، واحدهای یک نظام معنایی هستند که به دلیل داشتن ویژگی‌های مشترک یا اشتراکات مفهومی در مقوله زمان، در رابطه متقابل با هم‌اند و اعضاء یک «حوزه معنایی» به شمار می‌آیند. بر این مبنا دو شرط لازم و کافی برای ادراک معنای یک پدیده در این گونه از تحلیل اهمیت می‌یابد: شرط لازم، «شرط معناداری» پدیده به حساب می‌آید و در صورتی که بتواند مفهوم آن پدیده را از سایر مفاهیم متمایز کند، شرط کافی و یا «شرط تمایز معنایی» آن پدیده تلقی خواهد شد. اشتراک در شرط لازم (معناداری)، سبب طبقه‌بندی و جای‌گیری واحد نشانه‌ای در یک حوزه معنایی می‌شود (Safavi

جدول ۶: تحول مفاهیم واحدهای هم‌حوزه در معماری سنتی ایران

واحدهای هم‌حوزه	روابط مفهومی واحدهای هم‌حوزه	مصادیق (تحول واحد هم‌حوزه- تحول ارزش واحد)
۱. عدم تغییر	عدم تغییر	-
۲. عدم تغییر	تغییر	جایگزینی بلدیه با شهرداری
۳. تغییر	عدم تغییر	مسکن، خانه، آپارتمان
۴. تغییر	تغییر	آشپزخانه به جای مطبخ
۵. افزایش	تغییر	افزودن پارکینگ، آسانسور و غیره به ادبیات مسکن
۶. حذف	تغییر	حذف بادگیر، سرداب و غیره از ادبیات مسکن

حوزه به حوزه معنایی دیگری ورود کرده و توسیع معنایی می‌یابد؛ مثلاً در حوزه معماری، ورود واحد معنایی تالار از «حوزه معنایی فرهنگی» (ایوان در مساجد) و یا ورود واحد معنایی بادگیر از «حوزه معنایی اقلیمی» (بادگیر آب انبار) به حوزه معنایی مسکن از این نمونه است.

ب- تحلیل هم‌زمانی حوزه‌های معنایی: این تحلیل، بررسی اشتراک میان واحدهای هم‌حوزه در یک زمان یا اشتراکات حوزه‌های معنایی را در یک مقطع زمانی بررسی می‌کند؛ در یک حوزه معنایی، اشتراک معنایی بنیادینی میان واحدهای نشانه‌ای مکان‌های معماری وجود دارد که به «باهم‌آیی»^۶ آن‌ها منجر می‌شود؛ این باهم‌آیی به دلیل ویژگی مشترکی است که واحدهای نشانه‌ای دو مکان را در یک مقطع از زمان به یکدیگر پیوند می‌زند.

ب-۱. باهم‌آیی هم‌نشینی (ترکیبی): این گونه از تحلیل، وقوع واحدهای نشانه‌ای با ویژگی‌های بنیادین مشترک بر روی محور هم‌نشینی را مورد تحلیل قرار می‌دهد؛ به عنوان نمونه در حوزه معماری، مفهوم مکث با فضا، رفیع با دیوار، حس تعلق با مکان و خط آسمان با نما در باهم‌آیی هم‌نشینی قرار دارند (جدول ۷).

الف-۲. «تبدیل» مفاهیم واحدها در طول زمان: این تحلیل‌ها، «معناشناسی تاریخی» واحدهای نشانه‌ای را بر اساس مفهوم و حوزه کاربرد آن‌ها بررسی می‌کند؛ بدین‌گونه که گاه هیچ واحد نشانه‌ای به حوزه معنایی افزوده یا از آن حذف نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از واحدهایی را تشکیل می‌دهند که در یک حوزه معنایی (با ورود یا خروج از حوزه)، سلسله‌مراتبی از بار معنایی (یا عاطفی) مثبت تا بار معنایی (یا عاطفی) منفی پدید می‌آورند (Safavi 2016, 189)؛ این سلسله‌مراتب شامل چهار ویژگی «تخصیص، توسیع، تنزل و ترفیع» معنایی است که به دلیل قرابت کارکردی دو ویژگی نخست با این تحقیق فقط از آن‌ها یاد می‌شود:

تخصیص معنایی^۴: در یک مقطع زمانی، مفهوم دو واحد نشانه‌ای معادل یکدیگرند و در طول زمان به دلیل محدود شدن حوزه کاربرد یکی از واحدها، آن واحد از تخصیص معنایی برخوردار می‌شود (و یا بالعکس)؛ مثلاً در گذشته، به دلیل محدودیت حوزه کاربرد، تخصیص معنایی «حیاط»، فقط شامل حیاط مرکزی می‌شد، اما امروزه معنای فضای حیاط، به تمامی گونه‌های آن تخصیص می‌یابد. توسیع معنایی^۵: در طول زمان، واحد نشانه‌ای از یک

جدول ۷: مصادیق هم‌نشینی فرمی و مفهومی در معماری

عنوان (مفهوم) هم‌نشینی فرمی	کارکرد (حوزه کاربردی) هم‌نشینی مفهومی	باهم‌آیی
فضا (اسم)	مکث (فعل)	فضای مکث
فضا (اسم)	خلوت (صفت)	فضای خلوت

سقف می‌باشد؛ در اینجا دیوار و سقف در باهم‌آیی هم‌نشینی بر اساس ویژگی بنیادین و مشترک مرزبندی (قائم و افقی) قرار دارند (جدول ۸).

یا به عبارتی، آن‌چه باعث هم‌نشینی مفهوم «مرزبندی» در راستای افق می‌شود، عنصر دیوار و آن‌چه موجب هم‌نشینی مفهوم مرزبندی در راستای قائم است، عنصر

جدول ۸: مصادیق باهم‌آیی هم‌نشینی در معماری

باهم‌آیی (هم‌نشینی)	
ویژگی‌های بنیادین مشترک	واحدها
جداکننده، سازه، محصورکنندگی، مرزبندی، عرصه‌بندی	عنصر دیوار، عنصر سقف، فضا

حسب حوزه معنایی پوشش فضا و سهدری، پنج‌دردی و هفت‌دردی بر حسب حوزه معنایی فضاهای بسته، در هم‌آیی متداعی با یکدیگر قرار می‌گیرند (جدول ۹).

ب-۲. باهم‌آیی جانشینی (ترتیبی): در این گونه از تحلیل، با هم‌آیی واحدهای نشانه‌ای بر حسب ویژگی‌ای که آن‌ها را در یک حوزه معنایی قرار می‌دهد بررسی می‌شود؛ به عنوان مثال در حوزه معماری، گنبد، تاق و نیم‌تاق بر

جدول ۹: مصادیق باهم‌آیی جانشینی در معماری ایران

باهم‌آیی (جانشینی)	
واحد	حوزه معنایی
گنبد، تاق، نیم‌تاق، سهدری، پنج‌دردی، هفت‌دردی	پوشش فضا، نوع فضا (این‌جا: بسته)

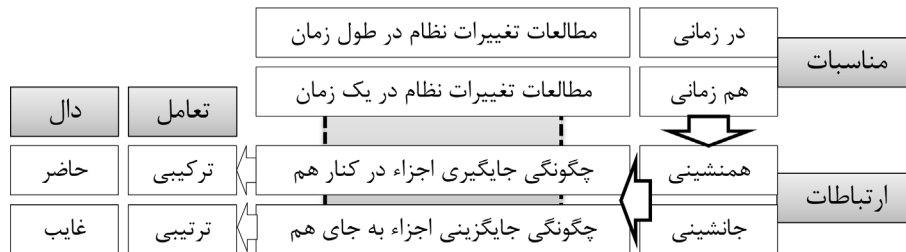
شکل‌گیری «معنای مکان» می‌شوند و نه شباهت میان آن‌ها. این تمایزهای سازنده معنا در کالبد مکان، با دو نوع ارتباط «همنشینی»^۱ و «جانشینی»^۲ مبتنی بر «زمان» مشخص می‌شوند؛ این ارتباطات، خود زیرمجموعه مناسبات پیش‌گفته، یعنی «هم‌زمانی» (مطالعه ساختار مکان در یک زمان) هستند که به همراه مناسبات «درزمانی» (مطالعه تغییرات مکان در طی زمان)، به «مطالعات زمان‌مندی نظام‌های نشانه‌ای» می‌پردازند. مناسبات زمانی شکل‌دهنده به تمایزها، با ارتباطات همنشینی (بر روی محور افقی) به روابط درون‌متنی و دال‌های دیگری که در متن حاضرند مربوط بوده و به تحلیل چگونگی قرار گرفتن عناصر در کنار هم (با امکان ترکیب و حضور دال‌ها) می‌پردازند؛ ارتباطات جانشینی (بر روی محور عمودی) به روابط بینامتنی (یا بینافرهنگی) و دال‌هایی ارجاع پیدا می‌کند که در متن غایب هستند (Saussure 2000, 122) و به تحلیل چگونگی جایگزینی عناصر به جای هم (با امکان انتخاب و غیاب دال‌ها) اشاره دارند. روابط زمانی همنشینی، امکاناتی برای ترکیب‌اند اما روابط زمانی جانشینی، شامل تحلیل قیاسی میان عناصر معماری در زمان می‌باشند (شکل ۱).

این باهم‌آیی در دو گونه شکل می‌گیرد؛ گونه یک: قرارگیری یک واحد نشانه‌ای در باهم‌آیی‌های مختلف بر حسب حضور در حوزه‌های معنایی مختلف است؛ مثلا از یک سو در باهم‌آیی ترتیبی با واحدهای سهدری و پنج‌دردی (از حوزه معنایی فضاها) و از سوی دیگر در با هم‌آیی ترتیبی با واحدهای حوض‌خانه و زیرزمین (از حوزه معنایی فضاهای تابستان‌نشین) قرار دارد؛ گونه دو: گستردگی تداعی معنایی به واسطه ارتباط حوزه‌های معنایی مختلف به یکدیگر توسط واحدهای مشترک (در چند حوزه) است؛ مثلا در حوزه مسکن سنتی، حوزه‌های معنایی فضا و تابستان‌نشین به واسطه واحد مشترک تالار به یکدیگر ارتباط می‌یابند.

۵-۱-۲- تحلیل ارتباط

- تقابل‌های معنا ساز همنشینی و جانشینی: ارتباطات بر تحلیل معناداری تقابل‌ها و تمایزها، موثرد (Culler 1975, 14)؛ نمونه‌ای از تمایزهای مهم در «نشانه‌های زمانی» عبارتند از: قبل- بعد، گذشته- آینده و غیره؛ در واقع همین تمایز در توالی رویدادهای «کالبد مکان» معماری (به مثابه دال) است که باعث شکل‌گیری اجزاء و روابطشان در نشانه‌ها و بنا بر دیدگاه «سوسور»، موجب

شکل ۱: تعاریف مناسبات در زمانی و هم‌زمانی در ارتباط با نشانه‌های زمانی



یعنی شیوه آرایش دو عنصر معماری در فضا حاکی از ارتباط همنشینی است. از سوی دیگر مثلا اگر این ستون از سبک دوریک باشد، مقایسه ذهنی از این سبک را با سبک‌های غایب دیگر (آیونیک، کورنتیان و غیره) فراهم می‌کند، در حالی که اجزایی با این سبک در فضا وجود ندارد؛ به عبارت دیگر ارتباط جانشینی

جهت روشن‌تر شدن موضوع و قرابت اولیه این مفاهیم با معماری، سوسور مثال قابل توجهی را ارائه می‌دهد: از دیدگاه جانشینی (تداعی) و همنشینی (نحوی)، یک واحد نشانه‌ای شبیه به بخشی از عناصر یک اثر معماری، مثلا یک تیر و ستون است؛ از یک سو، ستون با تیری که بر روی آن قرار می‌گیرد، ارتباطی ویژه (نحوی) دارد.

از دفعه قبل مورد خوانش قرار می‌گیرند. به بیانی دیگر، در ساختارهای متوالی، همواره دو فضای مشابه (قبل و بعد) در دو زمان متفاوت، به دو شکل متمایز قرائت می‌شوند.

۵-۱-۳- تحلیل روایت

- روابط همنشینی و انواع روایت فضایی: ارتباطات، مبتنی بر گفتمان است و بیان مفاهیم در هر ارتباط، نه با نشانه‌های منفرد و اجزاء (واحدهای نشانه‌ای)، بلکه توسط گروه نشانه‌ها و کل (نظام‌های نشانه‌ای) در ترکیبات پیچیده سازماندهی و روایت می‌شود (Ibid). تحلیل روابط همنشینی نشان می‌دهد که تولید و تفسیر معانی یا معناداری مکان، تحت تاثیر قراردادهای یا همان قواعد ترکیب و ترتیب مولفه‌های مکان هستند؛ به کار بردن یک ساختار همنشینی (و ترجیح آن نسبت به ساختارهای دیگر یک نظام نشانه‌ای)، از عوامل موثر در تولید معنا است (Chandler 2008, 133). گونه‌های مختلف روابط همنشینی در تحلیل روایت عبارتند از «همنشینی مکانی» (پیکره‌بندی واحدهای نشانه‌ای و چیدمان فضا، عناصر و اجزاء) و «همنشینی متوالی» (زمان‌مند) (Ibid, 134) که این گونه آخر، آشکارترین شکل ساختارهای تحلیل همنشینی روایت است؛ جدول ۱۰ ویژگی‌های تحلیل اشتراک در ارتباطات همنشینی و شکل ۲، مصداقی از ارتباطات همنشینی واحدهای نشانه‌ای راهرو، دودری و پنج‌دری خانه رسولیان یزد را، به مثابه فضاهای متوالی در مسکن سنتی بیان می‌کند.

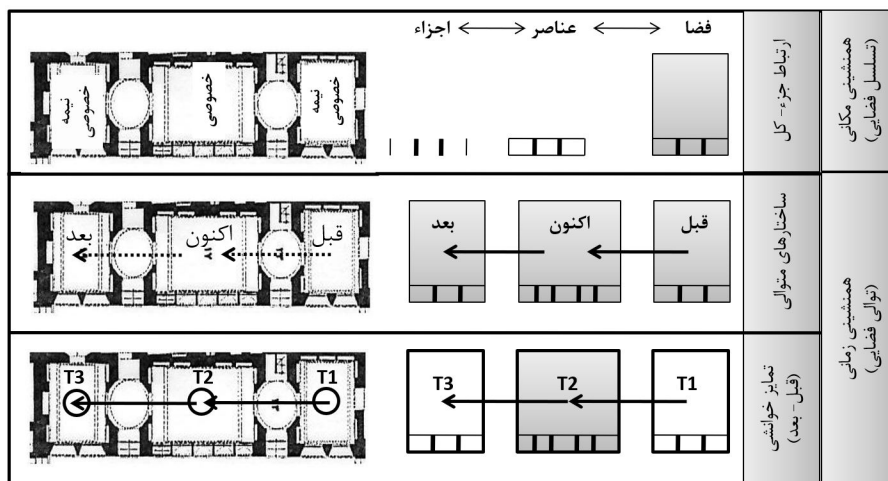
وابسته به تداعی است (BroadBent 2010, 85). ارتباطات همنشینی: ارتباطات همنشینی در تحلیل یک اثر معماری شامل «ارتباطات مکانی» یعنی «ترکیب و تسلسل» واحدها و «ارتباطات زمانی» یعنی «ترتیب و توالی» واحدهای نشانه‌ای هستند. این وجوه، مجموعه نشانه‌ها را به صورت رمزگان (قراردادهای مشترک و آشنا) سازماندهی و با واحدهای نشانه‌ای به عنوان جزئی از کل یک نظام نشانه‌ای رفتار می‌کنند؛ معناداری واحدهای نشانه‌ای وابسته به کلیات رمزگان (مثلا حریم) و زیررمزگان (مثلا عرصه‌بندی) مربوطه است. به بیان دیگر، همیشه واحدهایی بزرگ‌تر (کل) وجود دارند که از واحدهای کوچک‌تر (جزء) تشکیل شده‌اند و وابستگی متقابل یا ارتباطات دوسویه میان واحدها، آن‌ها را در کنار هم نگه می‌دارد (Saussure 2000, 127). این ارتباطات دوسویه عبارتند از:

«ارتباطات جزء- کل»: مجموعه‌ای از ساختارهای هم‌نشین (اجزاء)، ترکیب منظمی از دال‌های مرتبط با هم هستند که یک کل معنادار را در یک اثر تشکیل می‌دهند و در چارچوب قواعد نحوی به وجود می‌آیند (مثلا «فضا»های معماری، ساختاری متشکل از «عناصر»ند و این عناصر خود از «اجزاء» تشکیل می‌شوند).
«ارتباطات ساختارهای متوالی»: ساختار تمامی فضاهای معماری با ارتباطات مبتنی بر توالی (پی‌درپی، پیوسته و زمان‌مند) سازماندهی می‌شوند.
«ارتباطات تمایز خوانشی»: فضاهای مشابهی که در دو زمان از مواجهه با فضاهای متوالی تکرار می‌شوند، هر بار متفاوت

جدول ۱۰: نوع و کاربرد ارتباطات همنشینی در تحلیل اشتراک مکان معماری

همنشینی (تسلسل فضایی)	همنشینی مکانی	کابرد (عمل)	نوع ارتباط	شیوه تحلیل مکان	نوع دلالت	کارکرد (شیوه عمل)
		پیکره بندی	تسلسل فضایی	مستلزم گذر از مکان	ترکیبی	سازماندهی فضایی
		روایت	توالی فضایی	مستلزم گذر زمان	ترتیبی	تقدم و تاخر فضایی

شکل ۲: روابط همنشینی تحلیل ارتباط و اشتراک در مسکن سنتی ایران



ترتیبی، به استعاره درون- بیرون نیز معروف است؛ آن‌چه در مرکز قرار دارد به عنوان هسته‌ای شاخص که تمام عناصر حاشیه‌ای دیگر تابع آن هستند ارائه می‌شود (Ibid., 196-198). در دلالت ترتیبی فضاهای معماری، عنصر مرکز سازمان‌دهنده و در تقدم ادراک زمانی بوده و عناصر حاشیه، سازمان‌گیرنده و در تاخر ادراک زمانی مخاطب محسوب می‌شوند. این امر و تمایز زمانی ادراک (تقدم و تاخر)، متناسب با اصول روان‌شناسی گشتالت، وابسته به تمایز ادراکی میان شکل و زمینه نیز است (Chandler, 2008, 141).

ب- همنشینی زمانی: حرکت از عناصر همنشینی مکانی به عناصر همنشینی زمانی (متوالی)، تحلیل آثار را به سمت روایت به مثابه «الگوی موقعیت» در مکان‌های معماری سوق می‌دهد. تحلیل روایت شاخه مهمی از نشانه‌شناسی است که در این تحقیق به سه دسته کلی «الگوی روایت، تعامل روایت و کارکرد روایت» در راستای تحلیل آثار قابل طبقه‌بندی است:

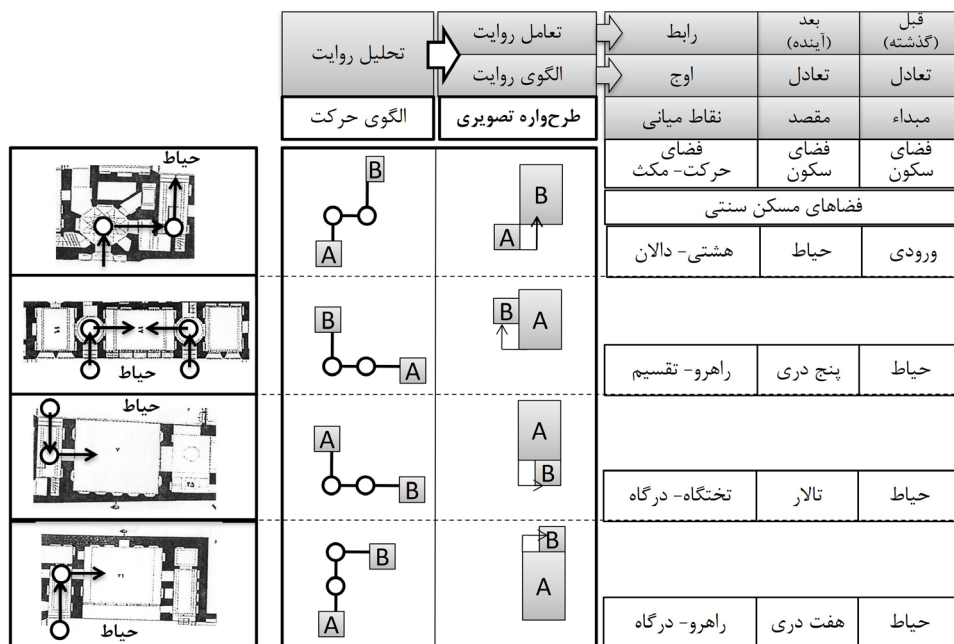
ب-۱. الگوی روایت: در تحلیل‌های زمانی آثار معماری، روایت‌گری فضاهاست که واقعه‌ها یا رویدادهای شکل‌گرفته در هر مکان را خلق کرده و دسته‌بندی می‌کند. هر روایت یک آغاز و یک پایان دارد (Metz 2017, 17)؛ بر این مبنا در همنشینی روایی، یک «الگوی خطی زمانی» حائز اهمیت بوده که ترکیبی از سه مرحله «تعادل- اوج- تعادل» است؛ زنجیره رویدادهای فضایی که منطبق بر «ابتداء، میانه و پایان» فضاهای متوالی می‌باشد و رویدادهای فضاهای ابتدایی، علت میانه رویداد فضایی و وقایع فضاهای میانی، علتی برای پایان رویدادهای فضایی هستند.

الف- همنشینی مکانی: این روابط با دو نشانه «جهت» و «مرکز- حاشیه» قابل تحلیل و شناسایی‌اند که می‌توانند علاوه بر دلالت ترکیبی با مفاهیم مکانی، دلالت ترتیبی با مفاهیم زمانی نیز داشته باشند.

الف-۱. نشانه‌های جهت؛ نمونه‌هایی از نشانه‌های جهت در مفهوم زمان عبارتند از: بالا- پایین، جلو- پشت، راست- چپ و شمال/ جنوب/ شرق/ غرب که هر یک دارای مفهوم کیفی متفاوتی هستند؛ به طور بالقوه، سمت راست یا چپ بودن عناصر در یک فضا یا یک نما، حاوی دلالت زمانی قبل (گذشته) و بعد (آینده) می‌باشد و این استعاره‌ها به «مفاهیم فرهنگی» وابسته‌اند (Lakoff and Jonson, 1980)، مثلاً شرق با طلوع، تولد و حیات و غرب با پایان نسبت دارد؛ بدین گونه که مثلاً ترکیب‌بندی راستای عمودی در جهت‌های بالا و پایین یک مکان به مثابه دال، حاوی دلالت‌های ضمنی، تداعی‌ها یا ارجاعات مختلفی بر مدلول‌های فرهنگی است: بالا بر مفاهیم اشراف، تسلط، حریم و غیره و پایین بر مفاهیم تحت نظر، تحت حریم و غیره دلالت می‌کند؛ هم‌چنین در خصوص دلالت ضمنی بالا و پایین در شکل‌گیری مفاهیم ساختاری در راستای عمودی: بخش‌های بالایی و پایینی به ترتیب نشانگر تقابل میان آرمانی و واقعی نیز می‌باشد (Kress and Leeuwe 2006, 193-201)؛ نکته حائز اهمیت این است که دلالت‌های ترکیبی مکانی، در ترکیب‌بندی راستای عمودی، فقط به ارتباط دو دال یا دو کالبد در معماری (مثلاً یکی بالاتر و یکی پایین‌تر) مربوط نیست، بلکه روابط دال با مدلول‌ها یعنی صورت (کالبد) و محتوای (فعالیت و تصورات) معماری نیز در مورد جهات موثر است.

الف-۲. نشانه‌های مرکز- حاشیه: این نشانه در دلالت‌های

شکل ۳: مدل مفهومی و مصداقی تعامل و الگوهای روایت در معماری مسکن سنتی



۶. یافته‌های تحقیق

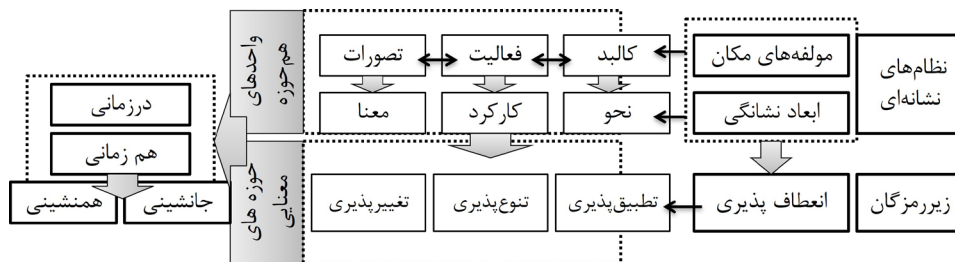
بر مبنای مباحث پیش‌گفته، یکی از گونه‌های تحلیل مفهومی نشانه‌های زمانی در آثار معماری، تحلیل ارتباط است؛ «تحلیل ارتباط»، یا تحلیل زمانی ارتباطات مفهومی نظام‌های نشانه‌ای، از مناسبات «هم‌زمانی» به وجود آمده و با دو گونه الگوی ارتباط متمایز، مبتنی بر «زمان»، یعنی «همنشینی» (نحو؛ دلالت ترکیبی) و «جانشینی» (متداعی؛ دلالت ترتیبی) شکل می‌گیرد؛ مطالعه این دو گونه تمایز معنا ساز مولفه‌های مکان یا واحدهای نشانه‌ای معماری، موجب آشکار سازی «روابط نشانه‌ها» و «معنای مکان» می‌شود؛ این گونه ارتباطی در تحلیل و طبقه‌بندی آثار معماری، مجموعه نشانه‌ها را به صورت «رمزگان» (قراردادهای مشترک و آشنای اجتماعی- فرهنگی) یا حوزه‌های معنایی، سازماندهی و از این طریق واحدهای نشانه‌ای (کالبد، فعالیت و تصورات) اثر معماری را به عنوان جزئی از کل نظام نشانه‌ای مکان، که هم‌ارز با ابعاد نشانگی چارلز موریس (نحو، کارکرد و معنا) هستند، دسته‌بندی می‌کند. معناداری مولفه‌های واحدهای نشانه‌ای (فضاها، عناصر و اجزاء)، در ارتباطی متقابل، وابسته به کلیات رمزگان (مثلا رمزگان فرهنگی حریم) و زیررمزگان (مثلا انعطاف‌پذیری فضا) در حوزه معنایی مربوطه است. شکل ۴ تعامل معنایی واحدهای هم‌حوزه معماری (واحدهای نشانه‌ای کالبد، فعالیت و تصورات) را به واسطه رمزگان فرهنگی حریم و زیررمزگان انعطاف‌پذیری در اشتراکات مفهومی- زمانی نشان می‌دهد.

ب-۲. تعامل روایت: بنا بر نظر رولان بارت، تحلیل فضاها و قیاس زمانی آثار مختلف در زمان‌های متفاوت، مبتنی بر تفسیرپذیری یا به عبارتی تعامل در رویدادهای این فضاهاست و تفاسیر را در سه دسته «میان‌مکانی» (دیگری- خود)، «میان‌زمانی» (خود/ دیگری- خود) و «میان‌فرهنگی» (دیگری- خود) تقسیم می‌کند (Barthes 1977, 79). باربارا استرن (۱۹۹۸) نیز معتقد است: «فرم‌ها می‌توانند در هر رسانه‌ای (مانند اثر معماری) که بتواند میان دو لحظه از زمان (قبل و بعد) ارتباط برقرار کرده و در آن ترتیب زمانی قائل شوند، نمود پیدا کنند». شکل ۳ الگو و تعامل روایت را با مدلی مفهومی و در ارتباط با مدل مصداقی فضاها خانه رسولیان یزد نشان می‌دهد.

ب-۳. کارکرد روایت: در تحلیل روایت‌گری فضاها، «کارکرد» آن‌ها سازنده «ساختارپذیری، پیش‌بینی‌پذیری و انسجام‌پذیری» مکان بوده و از این لحاظ الگوهایی برای موقعیت‌هایی هستند که فضاها بر مبنای زمان در مکان معماری ایجاد می‌کنند. تبدیل «گونه‌های تجربه» یا موقعیت‌های پیش‌آمده در فضای زیسته معماری به «گونه‌های روایی» (یا انتقال تصاویر ذهنی به نظام‌های نشانه‌ای) در واحد زمان توسط مخاطب، یکی از ویژگی‌های اصلی انگیزه انسان برای تولید معنا در مکان معماری است.

این تبدیل اشکال تجربه به اشکال روایی فضاها در فرایند اجتماعی شدن، در تطابق با روش‌های بیان‌گری فرهنگی آموخته می‌شوند (Bruner 1962, 45-80) و در تحلیل مفهومی زمان در قابلیت تطابق ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی هر اثر با دوره زمانی قرارگیری آن، جایگاه ویژه‌ای می‌یابند.

شکل ۴: تعامل معنایی واحدهای هم‌حوزه به واسطه اشتراکات مفهومی- زمانی در معماری



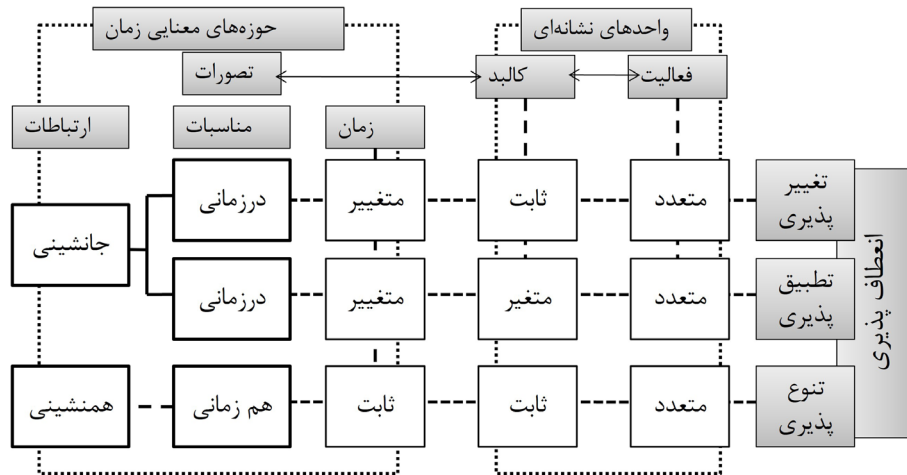
به بیانی دیگر، یکی از مهم‌ترین رمزگان‌های فرهنگی در حوزه‌های معنایی معماری ایران، رمزگان حریم است که با زیررمزگان‌های گوناگونی (مانند خلوت، قلمروهای فضایی و انعطاف‌پذیری)، مولفه‌های نظام‌های نشانه‌ای مکان را سازماندهی می‌کند. یکی از این زیررمزگان‌ها، «انعطاف‌پذیری» فضاها معماری است که عبارت از پیش‌بینی نیازهای آتی و قابل تغییر مخاطبان در مکان، با توجه به نشانه‌های زمانی بوده و شامل سه گونه می‌باشد: «تطبیق‌پذیری» منطبق دیدن فضاها با فعالیت‌های مختلفی که در چند فضا و در چند زمان

(در زمانی) روی می‌دهند؛ «تنوع‌پذیری» متنوع دیدن فضا برای فعالیت‌هایی که در یک فضا و یک زمان (هم‌زمانی) انجام می‌شوند و «تغییرپذیری» متغیر دیدن فضاها برای فعالیت‌های مختلفی که در یک فضا و چند زمان (در زمانی) رخ خواهند داد؛ بر این اساس، مفهوم انعطاف‌پذیری از طریق «تحلیل روایت» نیز ویژگی‌های «الگوی روایت»، یعنی تحلیل توالی رویدادها در فضا را مبتنی بر الگوی فضاها، میان و انتها دارد، به گونه‌ای که در این الگو هر فضای قبلی با رعایت نظام زمانی، علت انعطاف‌پذیری فضای بعدیست که شامل الگوهای «کارکرد روایت» نیز

ساختاری نشانه‌های زمانی، نمودار زیر می‌تواند یک الگوی تحلیلی مبتنی بر «تحلیل ارتباط» با عنایت به حوزه معنایی زمان باشد (شکل ۵).

می‌شوند؛ یعنی دسته‌بندی رویدادهای مبتنی بر زمان در مکان، بر مبنای ساختارپذیری (تسلسل) و انسجام‌پذیری (توالی) خاص خود، قابلیت پیش‌بینی‌پذیری برای زمان‌های آتی را می‌یابند. بر مبنای این الگوهای تحلیل

شکل ۵: الگوی تحلیل مرتبط با تحلیل ارتباط در حوزه مفهومی زمان‌مند زیرمژگان انعطاف‌پذیری در معماری



چند دوره مختلف معماری) است؛ این دیدگاه، مطالعه «تحول» و «تبدیل» مفاهیم واحدها در طول زمان است. هدف تحلیل آثار معماری در دیدگاه «هم‌زمانی»، بررسی اشتراکات معنایی بنیادین میان مولفه‌های مکانی یا واحدهای نشانه‌ای مشترک در یک حوزه معنایی (واحدهای هم‌حوزه) است و از آن‌ها تحت عنوان «باهم‌آبی» یاد می‌شود؛ «باهم‌آبی»، واحدهای نشانه‌ای یک مکان معماری را به دلیل ویژگی‌های مشترکشان در یک مقطع زمانی، به یکدیگر پیوند می‌زند.

«تحلیل ارتباط»، یا تحلیل زمانی ارتباطات ساختاری نظام‌های نشانه‌ای، منشعب از مناسبات «هم‌زمانی» بوده و با دو الگوی ارتباط تمایزی «همنشینی» (ترکیب مولفه‌های مکان در یک زمان واحد) و «جانشینی» (ترتیب مولفه‌های مکان در چند زمان) تحلیل می‌شوند. در ارزیابی آثار معماری، کلیت نشانه‌ها در قالب «رمزگان» حوزه معنایی یا قراردادهای اجتماعی- فرهنگی سازماندهی و از این طریق، مولفه‌های واحدهای نشانه‌ای یعنی فضا، عناصر و اجزاء یک اثر معماری، در ارتباطی تعاملی با کلیات رمزگان و زیررمزگان حوزه معنایی مرتبط با زمان، تحلیل می‌شوند. این تعامل مفهومی شامل تحلیل اثر معماری در قالب ارتباطات «جزء- کل»، ساختارهای متوالی و تمایز خوانشی» می‌باشد.

«تحلیل روایت»، از ارتباطات «همنشینی» سرچشمه گرفته و عناصر هم‌نشینی در یک اثر معماری شامل دو وجه «همنشینی مکانی» یعنی ترکیب و تسلسل و «همنشینی زمانی» یعنی ترتیب و توالی واحدهای نشانه‌ای مکان می‌باشند.

۷. نتیجه‌گیری

در آثار معماری، تحلیل مفهومی نشانه‌های زمانی یا «تحلیل مکان‌های متوالی» با سه دسته «تحلیل اشتراک، تحلیل ارتباط و تحلیل روایت» در ارتباط محتوایی با هم قابل انجام می‌باشد. «تحلیل اشتراک» یا تحلیل زمانی اشتراکات نظام‌های نشانه‌ای، وابسته به شناخت مولفه‌های مکان در قالب واحدهای نشانه‌ای «هم‌حوزه» یا واحدهایی است که به دلیل اشتراکات مفهومی- زمانی، در تعامل با هم هستند. در این گونه از تحلیل، دو شرط برای فهم معنای پدیده زمان در معماری اهمیت دارند: «شرط معناداری» و «شرط تمایز معنایی»؛ اشتراک مولفه‌های مکان در شرط معناداری، سبب جای‌گیری مولفه در یک «حوزه معنایی» می‌گردد و پر واضح است که این «اشتراک» به دلیل «تمایز» مثلا دو مولفه با مولفه سومی ارزش می‌یابد.

در بررسی شیوه حضور زمان در آثار معماری، به واسطه مناسبات «در زمانی» (مطالعه ساختار مکان در چند زمان) با هدف «شناخت نظام مفاهیم مشترک» در قالب «افزایش، حذف و تغییر» معنای واحدها، با دو ویژگی «تخصیص» و «توسیع» معنایی و هم‌چنین مناسبات «هم‌زمانی» (مطالعه ساختار مکان در یک زمان) کاربرد دارد؛ هدف تحلیل آثار معماری در دیدگاه «در زمانی»، بررسی تحول مفاهیم در مولفه‌های مکانی مشترک (مثلا مولفه کالبد) یا واحدهای نشانه‌ای یک حوزه معنایی (واحدهای هم‌حوزه)، میان «چند مکان معماری» مشابه (مثلا معماری مساجد) بر اثر تحول مفاهیم مشترک (مثلا انتظام‌پذیری کالبد) آن مولفه‌ها در «طول زمان» (مثلا

به مثابه فرهنگ خودی، در سه گونه‌بندی «میان‌مکانی» (دیگری- خود)، «میان‌زمانی» (خود/ دیگری- خود) و «میان‌فرهنگی» (دیگری- خود) تحلیل‌پذیر هستند. در «کارکرد روایت» و تحلیل روایت‌گری فضاهای معماری نیز، «کارکرد» فضاها، سازنده‌ی سه دسته‌بندی مفهومی «ساختارپذیری، پیش‌بینی‌پذیری و انسجام‌پذیری» در مکان است که در تحلیل رویدادهای زندگی مبتنی بر مفهوم زمان در اثر معماری، قابل بررسی هستند. در مجموع، با توجه به اهمیت نقش زمان در تداوم کارکرد مکان، حفظ انسجام و توالی، یعنی پی‌درپی بودن و پیوستگی رویدادها در معماری، موجب اهمیت‌یابی بررسی مفهوم زمان در دامنه ادراکی مخاطب و متعاقباً تداوم حفظ کیفیت مکان خواهد شد. معماری افزون بر کالبدی و کارکردی بودن، فرایندی ارتباطی و دلالتی است و از این رو معماری می‌تواند ساختار و مفاهیم را به واسطه نشانه‌ها بیان کند. جدول ۱۱ در یک جمع‌بندی، ارتباط و ویژگی‌های تحلیل‌های زمانی سه‌گانه اشتراکی، ارتباطی و روایتی و کارکردشان در تحلیل معماری را نشان می‌دهد.

«همنشینی مکانی»، با دو استعاره وابسته به مفاهیم فرهنگی هر اثر، یعنی «جهت» و «مرکز- حاشیه» قابل تحلیل هستند که در ترکیب‌بندی این استعاره‌ها، به طور توأمان به ارتباط کالبدی در آثار معماری، و همچنین روابط کالبد و محتوای اثر معماری یعنی «فعالیت و تصورات» مرتبط است.

«همنشینی زمانی» نیز در تحلیل‌های معمارانه، قابل دسته‌بندی به «الگوی روایت، تعامل روایت و کارکرد روایت» می‌باشد: «الگوی روایت» به تحلیل توالی رویدادها در فضای معماری می‌پردازد و این تحلیل منطبق بر الگوی خطی زمانی در قالب «ابتدا (تعادل)، میانه (اوج) و پایان (تعادل)» طبقه‌بندی می‌شود که در آن، هر فضای قبلی به واسطه تسلسل و توالی فضایی، علت فضای بعدی است. در «تعامل روایت»، تحلیل روابط همنشینی، تولید و تفسیر معانی مکان، تحت تاثیر قواعد ترکیب و ترتیب مولفه‌های مکان هستند. تحلیل فضاها و قیاس زمانی آثار مختلف در ادوار و زمان‌های متفاوت، مبتنی بر تفسیر و تعامل در روایت است و این تعاملات با محوریت خود

جدول ۱۱: ارتباط و ویژگی‌های تحلیل‌های اشتراکی، ارتباطی و روایتی و کارکردشان در تحلیل معماری

تحلیل اشتراک		
کارکرد: طبقه‌بندی مولفه‌های مکان (واحدهای نشانه‌ای) بر حسب عامل زمان در آثار معماری		
تحلیل در زمانی حوزه‌های معنایی	تحول مفاهیم واحدها در طول زمان	تغییر، عدم تغییر؛ افزایش، کاهش
	تبیین مفاهیم واحدها در طول زمان	تخصیص معنایی توسیع معنایی
تحلیل هم‌زمانی حوزه‌های معنایی		باهم‌آیی جانیشینی (ترتیبی) باهم‌آیی همنشینی (ترکیبی)
تحلیل ارتباط		
کارکرد: تحلیل معناداری تقابل‌ها و تمایزهای معنا ساز (مانند عرصه‌بندی فضایی) در مکان		
تحلیل هم‌زمانی	ارتباط جانیشینی	ارتباطات مکانی (ترکیب مولفه‌های مکان)
	ارتباط همنشینی	ارتباطات زمانی (ترتیب مولفه‌های مکان)
		ارتباط جزء- کل؛ ساختارهای متوالی؛ تمایز خوانشی
تحلیل روایت		
کارکرد: دسته‌بندی رمزگان یا قواعد ترکیب و ترتیب مولفه‌های مکان، بر تولید و تفسیر معانی (معناداری مکان)		
ارتباط همنشینی	همنشینی مکانی	- استعاره‌های جهت؛ استعاره‌های مرکز- حاشیه
	همنشینی زمانی	- الگوی روایت: آغاز- پایان؛ تعادل- اوج - تعادل
		- تعامل روایت: روایت میان‌مکانی (دیگری- خود) روایت میان‌زمانی (خود/ دیگری- خود) روایت میان‌فرهنگی (خود- دیگری)
		- کارکرد روایت: ساختارپذیری (تسلسل فضایی)؛ انسجام‌پذیری (توالی فضایی)؛ پیش‌بینی‌پذیری

گونه‌ای از تحلیل معمارانه مرتبط با جهات زمانی نشانه‌ها را ارائه می‌دهند. با این وصف، این تحقیق برای دستیابی به اهداف کلی زیر به انجام رسیده است:

۱. بررسی تطبیقی زمان و مکان؛ چگونگی تحقق بیانی زمان در تحلیل مکان معماری؛
 ۲. ساختارشناسی مکان‌های معماری بر مبنای مفاهیم زمانی نشانه‌ها (یا نشانه‌های زمانی).
- در حقیقت، سمت و سوی تحقیق در راستای کشف این نکته بود که چگونه مفهوم زمان امکان ورود به گستره تحلیل نشانه‌شناختی آثار معماری را از طریق حضور کالبدی مکان پیدا می‌کند؛ ورود معنادار نشانه‌های زمانی به تحلیل نظام‌های نشانه‌ای مکان، که موجب افزودن مفهوم زمان به گستره تحلیل معماری می‌شود، به واسطه پی‌جویی «تحلیل مفهومی» خط تکامل و تحول مفهوم زمان با مکان میسر خواهد شد.

فهم حضور زمان در مکان معماری، از طریق تبیین ویژگی‌های مکان به مثابه نظامی نشانه‌ای امکان‌پذیر است و تحلیل نشانه‌شناختی ساختارهای مفهومی مانند زمان در ابعاد مکان با تمرکز بر ماهیت و عملیات ساختارهای نشانه‌های زمان قابل تحقق است. کالبد معماری در صورت داشتن ویژگی‌های نشانه‌ای، «ابزار»ی برای آشکار شدن و «واسطه»ای برای بیان مفاهیم در آن خواهد بود و بر این مبنا تحقیق حاضر به جستجوی شاخص‌های نشانه‌شناختی زمان در کالبد معماری پرداخته است.

ساماندهی محیط به واسطه انتظام و انسجام چهار عامل مکان، مفاهیم، روابط و زمان میسر می‌شود و سازماندهی (انتظام) روابط مکانی، منوط به پیوستگی (انسجام) روابط زمانی و بالعکس خواهد بود. این روابط الگو و ساختاری دارند که به واسطه دانش‌واژه‌های نشانه‌شناختی زمان، به شیوه‌ای قانده‌مند، قابلیت طبقه‌بندی داشته و در نتیجه

پی‌نوشت

1. Codes
2. Synchronic
3. Diachronic
4. Semantic Narrowing
5. Semantic Widening
6. Collocation
7. Syntagmatic
8. Paradigmatic

فهرست منابع

- Barthes, Roland. 1977. *Image-Music-Text*. London: Fontana. <https://chinese.wooster.edu/files/barthes.pdf>
- Barthes, Roland. 2019. *Basics of semiotics*. Trans. Sadegh Rashidi and Farzaneh Dousti. 2020. Tehran: Scientific-Cultural Publication. [in Persian]
- BroadBent, Geoffery. 2010. *About Architecture*. Proceedings by Geoffrey Benneth, in collaboration with Hamid Nandimi. Trans. Nilufar Razavi, Hedyeh Noorbakhsh and Keivan Jourabchi. 2010. Tehran: Shahid Beheshti University Press. [in Persian]
- Bruner, Jerome S., Jasqueline Goodnow J., and George Austin A. 1962. *A study of Thinking*. Science Editions, N. Y. <https://www.amazon.com/Study-Thinking-J-al-Bruner/dp/B000J02G6W>
- Chandler, Daniel. 2001. *Basics of semiotics*. Trans. Mehdi Parsa. 2015. Tehran: Sureh Mehr Publication. [in Persian]
- Culler, Jonathan. 1975. *A brief introduction*. Trans. Tina Amrullahi. 2010 Tehran: Elm Publication. [in Persian]
- Culler, Jonathan. 2001. *Ferdinand De Saussure*. Trans. Korush Safavi. 2014. Tehran: Hermes Publication. [in Persian]
- Culler, Jonathan. 2012. *In search of signs*. Trans. Leila Sadeghi and Nina Amrullahi. 2010. Tehran: Elm Publication. [in Persian]
- Eco, Umberto. 1986. *Semiotics and the Philosophy of Language* (T. A. Sebeok, Ed.). Bloomington: Published by Indiana University Press. https://www.academia.edu/73671152/Umberto_Eco_Semiotics_and_the_Philosophy_of_Language
- Greimas, Algirdas Julien. 1983. *Structural Semantics, an attempt at a method*. Lincoln, NB: University of Nebraska press. https://openlibrary.org/works/OL2386843W/Structural_semantics
- Greimas, Algirdas Julien. 1987. *The deficiency of meaning; the transition to structuralist narratology*. Trans. Hamid Reza Shairi. Tehran: Khamoush Publication. [in Persian]
- Guiraud, Pierre. 2009. *Semiotics*. Translated by Muhammad Nabawi. 1380 Tehran: Agah Publications. [in Persian]
- Hall, Stuart, and Angela McRobbie. 2019. *About cultural studies*. Trans. Jamal Mohammadi. 2018. Tehran: Cheshme publication. [in Persian]
- Johnson, Mark. 2017. *Body in mind, physical basis of meaning, imagination and reasoning*. Trans. Jahanshah Mirzabeigi. Tehran: Agahe Publications. [in Persian]
- Kress, Gunther, and Van Leeuwen. 2006. *Reading images: the grammar of visual design* (Second ed.). London: Routledge. <https://www.routledge.com/Reading-Images-The-Grammar-of-Visual-Design/Kress-Leeuwen/p/book/9780415672573>
- Lakoff, George, And Mark Janson. 1980. *Metaphors We live By*. Chicago: University of Chicago Press. <https://press.uchicago.edu/ucp/books/book/chicago/M/bo3637992.html>
- Metz, Christian. 2017. *Cinema semiotics*. Trans. Robert Safarian. 2016. Tehran: Agah Publication. [in Persian]
- Rappaport, Amos. 2004. *The origins of architectural culture*. Trans. Sadaf Al-Rasoul and Afra Bank. 2003. Tehran: Khyal Publications. [in Persian]
- Safavi, Kourosh. 2016. *Introduction to semantics*. Tehran: Sooreh Mehr Publication. [in Persian]
- Saussure, Ferdinand de. 2000. *Period of General Linguistics*. Trans. Korush Safavi. 1999. Tehran: Hermes Publication. [in Persian]
- Sojudi, Farzan. 2016. The semiotics of the passage of time in verbal and pictorial works. *Journal of Art Culture* (1): 46-64. [in Persian]
- Sojudi, Farzan. 2018. *Semiotics: theory and practice*. Tehran: Elm publication. [in Persian]

نحوه ارجاع به این مقاله

شاهپسندزاده، بابک. ۱۴۰۱. جستاری بر نقش نشانه‌های زمانی در تحلیل آثار معماری. نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر ۱۵(۴۱): ۸۹-۱۰۲.

DOI: 10.22034/AAUD.2023.274522.2433

URL: http://www.armanshahrjournal.com/article_168905.html



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

